شفق سرخ

موجد و نگارنده علی دشتی

اداره : طهران خیابان سعدی

شماره (۵)

تك شماره ۸ شاهی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان
وجه اشتراك
برای محصلین، کارگران و اعضاء اتحادیها ۵ تومان

قیمت اعلانات با دفتر است

۱شنبه ۲۱ حوت ۱۳۰۰ | هفته سه شماره منتشر میشود | ۱۲ رجب ۱۳۴۰ ۱۲ مارس ۱۹۲۲

توقیف جراید

قلمی، که باسم اصلاح در دست گرفته [...] باید مطیع یك دماغ آزاد ــ آزاد [...] غرض شخصی و منافع خصوصی ــ [...] باشد

[...]ساهم از روزیکه قلم در دست و [...]یم جریده نگار شویم از تمام [...]یها و دشمنیهائی که دوره حیات [...] اقسان اجتماعی بمدان مخوف [...] صرف نظر کردیم

[...]روز و فردا ناهر وقتیکه قلم در [...]ماست ویك مسئولیت مقدس ولی [...]ی بر عهده ما میباشد ساعی میکنیم [...] عواطف شخصی نشده و محکوم [...]ات و تمیناتی که مبدء آن فقط [...] افراد معینی نکردیم

و همچنین در پیش آمدهای اجتماعی [...]تانت و تعمق را از دست ندادده [...]مکان صفحات جریده را بنگارش [...] تخصیص دهیم [...]

[...] بوده باشد

[...]مبنی برهمین تصمیم بوده که بعد از [...] جرائد [...] ده و پس از اینکه زمزمه [...]ودی در اطراف قضایای مزبوره [...]شد ما کلمه [...] و خویشتن‌زبون [...]ه احساسات [...]ود و محیط خود [...] نکردیم

ولی اینك مبنی برهمان تصمیم و اداي یك وظیفه کهبسته بهیئات اجتماعیه [...]حا‌ کمیت‌وجدان دارا هستیم ناچاریم [...]راف توقیف جرائد مطالعاتی نموده [...]یم بمقاماتی که عامل توقیف جرائد [...] میشود بنمائیم

و البته مقامات مزبوره به تفکرات [...]مراجعه کنند تصدیق خواهند کرد که [...] هدایا برای حفظ حیثیات آنها [...] جمله های مداهنه آمیزی است [...] روز و هر ساعت و هر دقیقه از [...]ساحت آنها نثار میشود

•••

[...]قدمتا این مطلب را اعتراف میکنیم [...]ناخشنودی نسبت بمندرجات جرائد [...]ت شنیده میشود و در تحت تاثیر [...]ه احساسات بود که ما مدتها [...]روع بانتقاد اصول جریده نگاری [...] اخیرا ارباب جرائد هم این مسئله [...]ی تعقیب نمودند

[...] ما اگر از عالم مطبوعات دفاع [...]ه از برای اینستکه ساحت آنها [...]رعیب و نقصی منزه

[...]ما از نقطه‌نظر مصالح [...] و [...] ترقی و [...] آزادی [...] بس [...]نصای یك برای [...]ران [...]است تا کرده‌ایم [...] باید [...]آزاد باشد

[...] آزادی هر [...] باید [...]یگران بوده باشد [...]ادی

مجروح شدن عواطف مقدسه، پایمال کردن حیثیات و شئون مردم گردد

مطبوعات آزاد است ولی در بیان کردن حوائج جامعه، در نشر فکر و عقیده اجتماع، در انتقاد از هیئت حاکمه ـ اشتباه نشود انتقاد یك مفهومی غیر از تعرض و دشنام دارد ـ در اظهار نظر نسبت بکیفیت اداره کردن مملکت و خط مشی سیاسی دولت

مطبوعات آزاد است ولی برای اینکه مصالح جامعه را از مضار آن تشخیص داده فکر و رای افراد متفکر را در موضوع اصلاحات نشر دهد

روز نامه حق ندارد بشؤن شخصی افراد تعرض نماید و اگر هم از نقطه‌نظر اجتماعی بفردی تعرض میکند البته باید با اسناد ومدارك بوده باشد

روزنامه حق ندارد فحش بدهد حق ندارد تهمت بزند، حق ندارد بد گوئی کند ولی اگر کرد ؟

باید همان‌طوری که دنیا تجربه کرده و تاریخ و فلسفه اجتماعی بما نشان داده است انرا اصلاح نموده نه اینکه بفشار و وخفه کردن ان مبادرت نمائیم

زیرا فشارهمیشه ره اکسیون را فعل خواهد داشت فشارهای کابینه اقای وثوق الدوله درخصوص مطبوعات و بعد از ان ادامهٔ ان فشار با یك طرز ملایم تری در کابینه سابق اقای مشیر الدوله و اقای سپهدار اعظم و پس از آن سانسورشدید مطبوعات درایام حکومت اقاسید ضیاء الدین منتهی باین شد که پس از سقوط کابینه سید ضیاء الدین و رفع ان فشارها یك مرتبه هرکس، هرطفل پانزده ساله، هر ادم [...]ی وهر وطنخواه حساس وهرمتفکر فاضل درصدد جریده نگاری برامد

فشار ره اکسیون دارد : فشار های متمادی و استبداد مطلق دورهٔ استبداد باعث این شد که پس از اعطای مشروطیت که نسیم ازادی وزیدن گرفت جامعه مانند مریضی که در مواجهه با اندك برودت حالت اعتدال خود را از دست میدهد نتوانست از ازادی استفاده کندو پس از طی شانزده سال هنوز هم از ازادی سوء استفاده کرد است و شاید، بتوانیم در میان تمام ازا خواهان ایران صد نفر پیدا بکنیم که حدود ازادی خود و رفیق خود را یکسان دید و بقدری که ازدای را برای خود میخواهد برای دیگری هم بخواهد وهمان قیود قانونیکه برای دیگران طالب است خود نیز تحمل نماید

فشار راکسیون داده : مراقبت شدید کابینه [...]ی وثوق الدوله باعث انتشار شب نامه نویسی ومقدمه خفت و ابتذال و وهن مطبوعات گردید

ازادی محدود وحدود ازادی مطبوعات را فقط و فقط قانون میتواند معین کند بدون اینکه هیچگونه مفاسدی‌را دربرداشته باشد زیرا قانون مطرد است و شمول آن استثنا پذیر نیست

بدیهی است ازادی وهرچیز مقدسی بدون حدود وشروط قابل همه گونه سوء استفاده است وفقط چیزیکه میتواند مناعت وعظمت و فوائد ازادی و سایر مقدمات اجتماعی را حفظ نماید قانون است

قانون تازیانه اصلاح و تادیب است ومجری ان هرکس که باشد باچشم احترام وعظمت نگریسته میشود

حکومت قضائی میتواند جراید را توقیف کند ولی اگر بامر قانون توقیف کرد هیچگونه احساس نارضایتی دراطراف عملیات ایشان شهود نمیگردد

حکومت نظامی میتواند جرائد را توقیف نماید ولی اگر ماننده یك مجری قانون بتوقیف جراید مبادرت نمود احترام و سطوت او در نظر ملت وافراد متنور جامعه بیشتر است

بعد ازاینکه‌صیحه ازادی دریك قطری بلندی کردید جز اجرای قانون ـ قانون عامی که همه افراد محکوم ومطیع آن باشند چاره نیست

اگر جرائد فاسد شدند. اگر فحش و دشنام بجای فکر وعقیده در صفحات جراید دیده میشود، اگر مطبوعات پای از وظایف ساحیه خود بیرون نهاده اند اگر جرائد ما اجنبی پرست شده اند، اگر جرائد ما مرکز انتریك وغرض رانی شخصی گردیده‌اند بعقیده‌ما تقصیر باوزارت معارف، بامجلس شوری و باهیئت حاکمه است :

هیئات های حاکمه ـ درپانزده ساله مشروطیتی ـ نخواستند یا نتوانستند اصول استبدادرا ترك گفته بجای استبداد فردی استبداد قانونی را معین نمایند

بدبختانه حکومتهای دوره مشروطیت نخواستند کارهارا باموازین عقلیه سنجیده وسعی کنند قوانین کلی وفورمولهای فائق حاکم قضایا بوده باشد نه میل و اراده شخصی

در نتیجه همین سیاست اهمال و مسامحه بود که انارشی، با وسیع ترین مفاهیم خود، در مطبوعات که جلی ترین مظاهر روحیه ملت است، ظاهر گردید تقصیر با کیست ؟

آیا بامطبوعات است که قوانین راجعه بانهارا موقوف الاجراء گذاشته وهر رئیس الوزرائی مطابق اهواء سیاسی ویا نظریات باریکی خود یك مشی معینی نسبت بمطبوعات انتخاذ کرده

جرائد فهمانیده اند « باستثناء تعرض به پرنسیب آنها درهر حال وبرای اشاعه هر چیزی از داد مطلق العنان بوده باشند »

بعقیده ما تقصیر با انهائی است که درطی یك مدت بس طولانی قانون مطبوعات را اجرا نکرده و جریان جریده نگاری را باین حالت مشهوده کشانیده‌اند

حال هم اگر طالب اصلاح مطبوعات هستید باید قانون را قاضی مساله نمائید اگر قانون ندارید وضع کنید اگر ناقص است تکمیل نمائید تا فقط قانون مسئول بقاء شده ودر انظار خارجه فناء جرائد شناخته این قدر خفیف وموهون نشویم

بدیهی است در اینصورت اظهار خوشنودی در اطراف کمتر محسوس گشته قانون را متعرض و استبداد قانون را نمی توان بارتجاع و ظهور استبداد تفسیر نمود.

در مسائل فکری وعقیدهٔ فقط باید سلطه قانون‌را قائل شدو‌بس والا همچنانکه سد بستن درجلو سیل سهیل‌را نابود نکرده بلکه برقوهٔ و فشار آن می‌افزاید و آنرا بشکل یك طغیان هولناکی در می‌آورد فشار بر فکر و عقیده نیز آنرا منتهی به انقلاباتی مینماید که شاید چندان بحال ایران مفید نبوده باشد

ممکن است بگویند ازفکر و عقیده جلوگیر نشده واز فحاشی وهتاکی ممانعت بعمل آمده است ما فعلاً‌ ما در جزئیات وارد نشده ولی معتقدیم که تشخیص فحش ازغیر فحش وتمیز عقیده وفکر از تعرض وحمله بهتر این است که بقانون ارجاع شود.

جریده نجات ایران نمیتوانست ان لهجهٔ مخصوص اعلان تعطیل دهد

اگر قانون قاضی مطبوعات بود (ایران‌آزاد ان جمله هارا نمی‌نوشت

اگر قانون امر بتوقیف داده بود طوفان رباعی شترگاوپلنگ را درج نمیکرد

بهترین طریقی بر اصلاح مطبوعات و در عین حال مواجهه‌نشدن با ناخشنودی عامه همانا قانون است و بس

ازادی نامه بمطبوعات بدهید وقانون را برای محدود کردن ازادی انها اجرا سازید تا کسی نتواند بگوید ازادی مطبوعات از اختناق است و ازطرف دیگر صفحات جراید هم عرصه فضایح اخلاقی واقع‌نشود

این‌است نظریه ما درموضوع جراید و تصور میکنیم هر فکر مصلح و هردماغی که عاشق اصلاحات باشد این مسئلهٔ مسلم را اذعان نماید

و در خاتمه ازمتفکرین و ارباب قلم تقاضا میکنیم که مناقشات داخلی را کنار گذاشته ودر این زمینهٔ قلم فرسائی فرموده و بحفظ حیثیات صنفی قیام بنمایند

آقای قوام السلطنه

اقدام برای خاطر شما بدون محاکمه توقیف شد وپس از سه روز مکتوب شمارا چه مستقیما و چه درجراید مطالعه کردیم .. بابودن هزار عریضه وتظلم نامه که از تاریخ سه ماه قبل درزوایای مجلس افتاده خوش‌بختانه عریضه شما بدون درنگ در محضر نمایندگان قرائت شد

درخواست رفع توقیف نامه ما خیلی غریب است

اما نشر اسناد والا یکی که دراین موضوع داریم چنانچه واقعا مایل هستید ممکن است باقایان سرکشیك زاده ورهنما توصیه کنید که از درج آنها دریغ ننمایند ودر صورتیکه ازدرج آنها امتناع کنند منتظر اقدام ما باشید که قریبا تهمت جواندن و ملون ازتوقیف خارج واسناد و دلایل خودرا در معرض افکار طرح خواهند کرد ـ امامحکمه ـ شما امروز یکنفر غیر رسمی و از افراد عادی‌ایران هستید‌و مجلس حق مداخله در مسائل عادی ندارد پس تقاضای تشکیل کمیسیون از نمایندگان قانونی نیست فقط محکمه صلاحیت دار می تواند قضاوت کند و بس

عباس‌خلیلی ـ مدیراقدام

نمایش عارف

در شب ۱۳ ماه رجب ساعت هفت بعد از ظهر در گراند هتل کنسرت عارف شروع محل فروش بلیط لاله‌زار مغازه تجارتی [...] ناصریه، مغازه‌اذربایجان و خلخالی بازار حجره مدیرالصنایع شب نمایش درب گراند هتل

بچه، بچه محله

حضرت مدیر فاضل شفق سرخ !

اتفاقا دات لطیف و پاك شمارا در هرات قرائت کرده و شما را بیاد کردن این ابواب تهنیت می گوئیم ـ ضمنا انتقادی را که در مقاله این کم تمام ، اهدا فرموده بودید دوباره خوانده و اجازت می خواهم ، قدری دران خصوص بحث و تدقیق نمایم.

[...]

(توحش) با رذایل (تمدن) قلمداد فرموده اید - با تصدیق باینکه در نظر نخستین همین تصور برای قارئین می آید جسارت ورزیده عرض می کنم : مقصود من بیان مقایسه فوق که یك بیان تندی بیش نیست ، و بی اندازه در روی آن حرف زده شده همان طور که نوشته اید (ژون ژاك روسو) اساس فلسفه اش در روی آن است - نبوده و فقط مقایسه بین مدنیت قدیم و مدنیت جدید - بعبارة دیگر ، بین تعالیم آمیخته بعواطف عمیقه و تعالیم آمیخته بظواهر مادیه و سطحی بوده است

فلسفه روسو که عالی ترین مبانی را در فجایع مدنیت و در رذایل نتایج از آن مورد بحث قرار داده و بر اولین کسی که یك چهار دیوار بنام (خانه من - ملك من - شهر من و وطن من !) بالا برده لعنت میفرستد مبحثی جداگانه و مکرر از جلو نظر من گذشته است

ممکن است ، روزی بتوسط آن جریده شریفه ، درمبحث مزبوره و در اینکه آیا فلسفه مزبوره تا چه اندازه قابل تصدیق تواند بود - غور و تنقیباتی بعمل آوریم ؛

اما موضوع مقاله بنده بهیچوجه مربوط بموضوع فوق چنانچه تصور فرموده اید نبوده و بلکه بر خلاف تصور شما - در داخله چهاردیوار مدنیت ، یك مقایسه ایست که تعالیم قدیم وجدید را که هردو مرتبط با دو قسم مدنیت است ، شرح میدهد.

۲ - اینکه فرموده اید من در تکرار نظریات خود قدری زیاده روی کرده ام محتاج بتوضیح مکفی تری است . آیا مکررات زیاد بکار رفته ؟ یا اغراقاتی بیجا کار بسته شده است ؟ در هردوصورت پند گرفته ودرآتیه احتراز از ان راوجهه همت خواهم ساخت .

۳ - نوشته اید : « دراینصورت ما نباید فقط این مردمانی را که به مدنیت نزدیك شده و فضایل اخلاقی خود را از دست داده اند ، ملامت نمائیم . بلکه باید باصول تمدن بشر لعنت کنیم که قلم بطلان برفضایل اخلاقی بشر کشیده است .»

درین فراز شما جای بسی گفتگو است - چنانچه در فلسفه روسو نیز جای بسی سخنوری است - اما چون موضوع مقاله من بر خلاف اصل مدنیت نبوده و چنانکه توضیح دادم ، درداخله چهاردیوار تمدن است نه درخارج آن . فلهذا خود را فعلا ببحث و استنتاج در آن موضوع آشنا نساخته . وعرض نمیکنم که بالاخره این تمدن کثیف و نا روا دست پروردهٔ همین انسانها و مخلوق افکار حریص و متجاوز و پرمکر همین (مردمانی است که بمدنیت نزدیك شده وفضایل اخلاقی خود را از دست داده اند » و همین متمدنین تازه هستند که آهسته آهسته نبود فضایل اخلاقیه و ملکات انسانیه را سرکشی و فرار از خرافات و اوهام در هم شکسته و سپس تمام حقایق تربیه‌های لازمه و مفیداً قرون متوالیه حکمرانی عواطف را با خاکروبه های اوهام و خرافات مخلوط کرده و آنجمله را یکباره باهم بدریا ریختند ! - نه ، من هرگز باصل تمدن حمله نکرده و مثل رسو و پیروان رسو ظنین و بدبین و (پسیمیست) نیستم بلکه متاسفم که چرا نتیجهٔ تعالیم سقرات ها و حکمای متعاقب وبزرگان یونان و روم و آن مدنیت دامنه داری که بالاخره تمدن عرب و ادبیات قرون رودکی ها و سعدیها و حافظ ها را تولید ساخته و آخرین نمونهای آن تعالیم بهمراه داش‌ها و لوطیها وپهلوانها و پیش کسوتها ومرشدو صنوف تعلیمند و سقا در ایران از بین رفته و نیز یك شعبه از آن بهمراهی دستجات کوچه گردان پاریس و بالاخره اتفاق شمشیر شوالیه ها در فرنگستان محو و منقرض گردید - چنان مدنیت روشن و پرشعشعه ، چنان عوالم جدی ولی باحقیقت چرا به عروسك فروش یکدسته تاجر وصانع و عروسك بازی یکسلسله (مود)باز خود ساز درهم شکند ؟ و چرا حقایق مربوطهٔ باخلاق و عواطف وحیات جوانمردانه ولطایف مرتبطه بیك حس همدردی عمیقی که قهراً و طبعاً بین بشر موجود بوده است بخنجر زهرآگین فرنگی آزادی طلب و آن اولین دژخیم بیرحم بشریت شهید گردد ؟

آیا فقط برای اسلحه او - آن فرانکی آن هوچی ، آن عصبانی شده از چیزی و انتقام کشنده از چیز دیگر برای بشر اختراع تازه کرده ؟ فقط برای اینکه او صنعت چاپ را به بشر هدیه داده ؟ قوه بخار را الکتریسته را ، تلگراف و تلفن وزپلن را بدنیا بخشیده است ؟

آیا فقط برای این ؟ برای این هنرمند بهاست که دنیا را پر از ولوله های مظلوم و پرازسفسطه های ظالم کرده اند ؟ از صدقه سراین صنایع فروشی وپرهوشی و زکاوت است که تناسب بین نعمت ونقمت متمول و فقیر پاریس ملیارد و بدبخت نیویورك سرمایه دار وکارگر لندن ، غیر شایان تصور و غیر قابل مقایسه است ؟

•••

در زیر این هوای محیط نیلوفری ، اگر افراد بشری هرکدام روزی دو ساعت کار کرده مابقی را بعیش و استراحت و تنعم و مهربانی و عشق بگذرانند ، تمام بشر مستغنی و توانگر وصحیح المزاج و دراز عمر توانند بود !

اخلاق پلید و منش‌های نکوهیدهٔ جمعی خودخواه و متفنن جنك را و فریفتن عوام و نعم را اختراع کرد - جمعی چاپلوس هم برای فریفتن آن خود خواهان متفنن شراب و عرق و چرس و افیون و تنباکو و قمارا اختراع نمودند - سپس در عصر تمدن حدیث و در دورهٔ طلائی بشر هم جمعی طلادوست و پول پرست ، گرد هم آمده قوهٔ بخار و الکتریسته و اقسام میکانیك و انواع بمباو شیمباو دارالصناعه‌ها و صناعت‌ها ایجاد نموده و جمعی بوالفضول هم برای استفاده از آنها و تشکیل تیپ حقیقی آنها قواعد و قوانین و رسومات و اصول و نظامات اجتماعیه و امثال آنها را بهم بافته و درنتیجه یك نوع مدنیت ساده و قابل تحمل را بیك نوع زندگانی پرزحمت و پرمشقت غیر قابل تحمل بدل ساخته ، و این درد بیدرمان را برای عالم بشریت بیادگار گذاشته اند

ما حالا میل نداریم انقراض تمدن را جزء آمال خود قراردهیم - فایده ندارد آن هم یکنوع هوسرانی مضحکی خواهد بود قدرت آنرا هم نداریم ، زیرا تمدن در بشر مثل مرض جذام کهنه و نمو دارد ، ولی در هر صورت محو شدنی نیست پس حالا که ناچاریم با تمدن زندگانی کنیم - و حالا که هنوز باران سیاه تمدن اروپا ما را بالتمام خیس نکرده است باید مواظب بوده نگذاریم که آثار و نشانهای باآبرو عهود حکمرانی عواطف ، و ادوار حکومت قلب و روح و ازمنه همدردی وشهامت ، و جوانمردی و گذشت ، یکباره از بین ما برود !

پس ما باید بر آن بشری که مدنیت بیروح و سرود ظالمانه امروزی را ترویج مینماید ، نفرین کرده واقرار کنیم که هر متمدنی قلم بطلان بر فضایل اخلاقی بشر نکشیده ، و این تمدن مزورانه و تعالیم درهم وبرهم و ظالمانهٔ اروپا است که ما حس فضایل و مورد مقایسهٔ مابا مدنیت‌های مشرقی است !

۴ - راجع بناروانی دوتا از فرازها عرض نمیکنیم ، زیرا مادراینمورد سلیقه‌ها تابع تعبیرات فکریه است - ناروائی چندان عیب نیست اما روائی عیب است

۵ - راجع بعبارت : « همکی جزهوگو و من ... » که بنظر غریب آمده است - شاید بنظر اکثریت مردم غریب بیاید ولی در نظر یك نویسندهٔ جوان چندان غرابتی نخواهد داشت - زیرا (هوگو) یك نفر ادیب و شاعر بزرگی بوده و سرچشمه پیدایش شعرا و نقاشان و موسیقی دانان بزرك و ارباب صنایع مستظرفه تابع ارتفاع و انحطاط محیط بوده و باصطلاح چندان (قضاقورتکی) هم نیست - ولی معذلك محال هم نخواهد بود - بعلاوه (قمپز درکردن) هم یکی از روالهای خیلی معمول است - حالا هوگو نباشیم (زولا) که لا اقل خواهیم بود - چون سنائی هستم آخر کرنه همچون صابرم ...

۶ راجع بنوشتن کتابی چون میزر اول همپر خجالت و زیاد اصرار نفرمائید - اگر بود یاباشد لابدوقتی عرضه خواهد شد .. مثلی است معروف(جوجه را سر پائیز می‌شمارند) باید منتظر پائیزومهرگان بود ، - مهرگان شاعر مرك اوست ، من من این حقیقت را دریکی از مجموعه‌هائی که تالیف کرده ام بتفصیل نوشته‌ام - ولی میرواید من آن نیست .

••

اما موضوع اخیر : گمنامی من موضوعی جداگانه است که بعدها عرض خواهدشد!

(گمنام)

••

ما نظریات مبسوطی در موضوع نگارش فوق داریم که در این شماره بملاحظه افراط نکردن در یك موضوع مخصوصی و خسته کردن خوانندگان از ابراز آن صرف نظر کرده و بشماره آتیه موکول مینمائیم .

اوضاع ایران

پرداخت وجه

بقراریکه اطلاع رسیده است مبلغ یك ملیون دلار برسم مساعده ازروزگذشته مبلغ تادیه گردیده است .

برای تقسیم وجه

عصر روز گذشته در حضور آقای مدیرالدوله کفیل وزارت مالیه کمیسیونی بعضویت حاج عزالممالك مدیرکل و آقای فرزین رئیس محاسبات و یکی دو نفر از رؤسای دیگر در هیئت وزراء منعقد گردید ومشغول تبادل نظر راجع بتقسیم وجه بوده که صورتی تهیه شود

حقوق معوقه ادارات

بطوریکه در نظر گرفته شده تعلیماتی برای پرداخت حقوق معوقه وزارتخانها و ادارات از طرف اولیای امور صادرشده که تا قبل حمل مبلغی که از این بابت تخصیص یافته پرداخته شود و از روز سه شنبه شروع بتادیه خواهد شد که در وجه انها بنوبه و نسبت از بابت چند ماهی بپردازند .

عبور از بغداد

اطلاعات رسمی مشعر است وزیرمختار جدید دولت جمهوری امریکا مامور دربار ایران ببغداد ورود و بعزم ایران حرکت نموده اند و ازطرف وزارت خارجه تعلیمات مقتضیه جهت پذیرائی ایشان صادر گرد… ومهماندار روز سه شنبه حرکت خواهد…

صدور حواله بگمرك

ازطرف ریاست وزراء عظام بوزارتمال… کتبا امر شده نظر باینکه مبلغ متنابهی حقوق حکومتی وقرسوران وتظمیه عربستا… معوق مانده قدغن شود اداره گمرك محم… ده هزارتومان برای پرداخت اقساط معو… مالیه شوشتر بپردازند .

تهیه اوراق درخواست

ازوزارتمالیه متحد المآلی بتمام وزارتخانها… خانها صادر شده که چون وزارتمالیه معتقد… است از ابتدای سند آتیه بدون درخواست خارج… و جهی نپردازد لهذا یکعده اوراق درخواست… سفید برای هر یك ازوزارتخانها فرستاده… شده که مقرر شود محاسبات وزارتخانه… کلیه و جوابیکه در حد خود بودجه… مینمایند دروورقه های درخواست… و ارسال سازید .

اخبار رویتر

۱۰ و ۱۱ مارس

قتل

لندن - دونفر صاحب منصب انگلیـ… در (دو بین) بضرب گلوله… شده اند .

[illegible] مصر

قاهره - نمایش دهندگان بر… نظمیه (طنطا) آنجا را سنگ… کرده و پلیس هم برآنها شلیك کرده… نتیجه ۳ نفر مقتول و ۲۵ نفر مجروح… شدند .

یك فیوم دیگر

موافق اطلاع واصله از ازمیر ا… میرود ژنرال (پاپچلاس) مانند (… تنریو) و ازمیر (فیوم) ثانی کرد…

تهیه جنك

رم - مطابق خبر واصله ازاسلا… فیمابین یونان وعثمانی در آبهای… کمال جدیت مشغول تهیه موجبات… نظامی میباشند وظاهراً طرفین قصد… عملیات جنگی را تجدید نمایند… آتشفشانیه عثمانی در ناحیه (… نگذاشته اند قواء و مهمات یونان… ازمیر شود .

قصد استعفاء سلطان

روتر اطلاع حاصل کرده ا… سلطان حسین حجاز تهدید باستعفا… و جهتش این است که در زمان

فکر و خیال در محبس هم آزاد است ولی طبعا و آشفته عبوس و تشنج است . . . یاد داشت های قبل عین آن دروغها های نامطبوعی است که با تیرگیهای محوطه مشئوم زندان ممزوج شده وشاید برای روز های عادی خیلی نا هموار و عجیب بوده باشد

ابا محسنین

خاطر میگذرانم عقیده رسور تقدیس نموده و برتمدن - همین تمدنی که نوع جنایتکار بشر الرا سرمایه افتخار خود قرار داده و اساس امتیاز خود برسایر موجود است میداند - لعنت میکنم

راستی تمدن چیست ؟) یا غیر از محنت وبدبختی در دنیا نتیجه دارد ؟

تمدن یعنی همان قوانین ، همان رسوم و اداب ، همان علوم ، همان صنایع و همان ترتیباتی که بشر بر خلاف سایر اصناف حیوانات ، برای سعادت مند کردن دوره حیات خود ، اتخاذ کرده است ، جز بدبختی چه نتیجه داده است ؟

تمدن و تمام آن مفاهیم و ترتیباتی که درزیر این کلمه مندرج است وسیله سعادت و …

ناکامی میبرند هر قدر هم جامعه رو بترقی برود ، هر قدر هم رژیمها تغییر نماید و هر قدر هم سیستم های حیات اجتماعی اصلاح شود ، بروید به فرانسه ، بانگلستان بامریکا سیاحت کنید به بینید عده ناراضی های آن جا و شما افراد بد بخت آن نواحی بیشتر است یا صحرای سوزان عربستان یا جنگلهای کنگور استرالی ؟

آیا شنیده اید در بیان عربهای بادیه ، در میان طوائف اسکیمو محبسی باستحکام محبس طهران موجود باشد . قطعا محبس باستیل خیلی مستحکم تر و برای فرار دشوار تر از محابس ایران بوده است

آیا این وزارتخانه ها این تاسیسات اداری این دیوانخانه های عدالت برای چه تشکیل یافته است آیا این زندانهای مستحکم ، این چوبه های … دار ، این ساختمانهای … ام برای

آیا این قوانین موضوعه ، این پارلمانها… این جمهوریتها را برای چه ایجاد کرده اند ؟ آیا شنیده اید اقوام وحشی افریقا… باشند . آیا شنیده اید سا این جنگهای… پارلمانت یا صدایه داشته باشند . آیا شنیده… کلواها در سه هزار سال قبل باستیل داشته اند… همه اینها برای جلوگیری از مفاسد…

همه اینها برای اصلاح شرور مدنیت بشر است اینها یك دسته وسائل مصنوعی است که… راتبه ایجاب نموده است ، بروید در کوه فارس و کردستان گردش کنید اعتراف نما… محتاج این ترتیبات مضحك نیست برای… تمدن در زیر آسمان قشنك آنها وجود ندا… تمدن عیش و تنعم ایجاد کرد ، تمد… قشنك و پارك های زیبا بنا نمود . تمدن… از اطعمه لذیذه تهیه کرد ، تمدن سر…

حرکت ... بلوغ بیست (سپاسیرها از رعیتی
... گرد ... میشده مالیات اخذ میگردیده و
مدیر ... مزبور دران وقت مخالفت کرده و
... مالیات مزبور ملغی گردیده لیکن
... خودش مجدداً وضع نموده است
... سنگینی مالیاتها درمیانهٔ اهالی هیجانی
... و بالاخره منجر بمصادماتی گشته
... نفر هم درنتیجه مقتول و مجروح
... اند .

ورود هیئت اعزامیه

لندن ۴ - اولین هیئت اعزامیه سیاسی ... ستان تحت ریاست سردار عبدالهادی ... وزارد موافق با مداول مصرحه درعهد نامه ... به مصر لندن گردیده و نماینده گان وزارت ... خارجه بمجمع مهمان نوازی دولتی ... خواسها استقبال نموده ومهمان‌دولت خواهند ... فرصت تامحل برای سفارت معین گردد ... تمایل دولتین ملی ورسمی عثمانی

اسلامبول - مارشال عزت پاشاوزیر ... خارجه عثمانی برای اظهار دعاوی ... متبوعه‌خود درشرف عزیمت بجانب ... میباشند نماینده دولتین ملی و رسمی ... هر دوميل دارند نظريات خود را ... ازتشکیل جلسه وزراء امور خارجه ... نمایند و بنظر هم چنین می‌آید ... کان رسمی وحتی ملی در جرج و ... تعهد نامه ملی راجع به ...) حاضر کرده و شاید درباب ... کردن یك سرحدی نیز که موافق ... طرفین باشد موافق بوده باشند ... ملی ... تصمیم باهالی راجع ... بر ... یك هیئت اعزامیه دیگری بنهایت ... خودنده زیرا امیدوار بوده که از ... باهالی هم اختیار نمایندگی باآنها ... خواهدشد

جنگ در فیوم

رم - اغتشاشات شدیدی در (فیوم) ... پیوسته ومصادمات خونینی باد فاشیست‌ها ... و یك عده از اهالی (فیوم) تحت ... (کیوتا) بنفرنماینده (فاشیستی) ... داده . شلك تفنك وتوپ مسلسل و ... کردن بوسب چندين ساعت بطول ... وطرفين تلفات زياد دادندمحاصره ... مکان یك کمیته نظامی تشکیل داده‌وتزد ... (...) فرستاده و تقاضا کردند پلیس ... سلاح شده و دولت هم استعفا بدهد ... بعد ازظهرهم « زانلا » بیانیه صادر ... اینکه من‌مجبورم تسلیم‌قوای ... گردیده و لهذا اعتبارات خود را ... دفاع ملی که از اهالی تشکیل شده ... تفویض مینمایم در صورتیکه اين‌همان ... است که باعث تولید این نهضت‌گشته ... قراریکه گفته میشود « زانلا » ازشهر

خارج شده و یك دولت موقتی که محل آن در قصر است تشکیل گردیده

بیانیه دولت موقتی

رم - خبر بعد - کمیته دفاع ملی « فیوم » امر صادر کرده اشعار میدارد که ازاول‌طلوع آفتاب تابعدازظهر جنك شدیدی جریان داشت

وبالاخره کمیته دولت موقتی ومجلس‌مؤسس منحل گردیده وکمیته موقتا زمام امور را دارند (حفظ انتظام را به کارابی نیر) ها و قوای سلطنتی واگذار نموده و از دولت ایطالی هم تقاضا کرده است یکنفر نماینده معین کنید تاحکومتی تشکیل دهد و باعث استقرار نظم وامنیت شود

گارد ملی هم تشکیل کرده است .

مظنه مبادلات درلندن

میزان مسکوکات درتاریخ نهم مارس برحسب مظنه لیره از قرار ذیل بوده است

فرانك	۴۸٫۵۲
لیره ایتالیا	۸۷٫۷۵
مارك	۱۰۹۷٫ -
دولار	۴٫۳۶۱۲

اخبار دنیا

بی سیم مسکو

انقره و یونان

مجلس ملی انقره مجددا مصطفی کمال پاشارا بسمت ریاست مجلس انتخاب نمود .

تدارکات جنگی درانقره بشدت دوام دارد . جرائد عثمانی اطلاع میدهند که بین دستجات مختلف قشون یونان زدو خوردی رویداده است ، دربین قشون یونان مقیم ازمیر نائره شورش مشتعل گشت .

نمایشات در زن

اطلاعات واصله حاکی است که فاشیست در زن مرتکب اغتشاشاتی گشته و اداره روز نامه سوسیالستی را غارت کردند . کارگران شهر زن برای ابراز پروتست چهار ساعت اعتصاب نمودند ؛

کنفرانس زن

راجع بکنفرانس زن اطلاعات صحیحه بدست نیامده واخیرا مخبر پاریس جریده تایمس تلگرافا اطلاع میدهد که احتمال دارد افتتاح کنفرانس محل را بتعویق افتند . دولت ایطالیا موافقت خود را با افتتاح کنفرانس در دهم ماه آوریل اطلاع داده

موقعیت للوید جرج

مقامات فرانسه اظهار میدارد که موقعیت للوید جرج مستحکم گشته زیرا اعضای حزب اونیونیست در رویه خود تغییراتی داده ونسبت برئیس الوزرا کاملا ابراز مساعدت میکنند .

عثمانی ولهستان

جرائد اسلامبول اطلاع میدهند که مناسبات عثمانی و لهستان شروع گشته و انتظار میرود که نماینده لهستان به انقره وارد گردد

حکومت فرانسه بدولت آنقره پیشنهاد کرده است که مابین آنقره و اروپا رابطه هوائی باطیاره برقرار گردد

اغتشاشات در بلفاست

اطلاعات واصله از بلفاست حاکی‌است پس از آنکه در موقع فوتبال بومبی در میان جمعیت افکندند اغتشاشات مجددا شروع شد وتا روز بعد امتداد داشت یك فقره خبر مشعر است که در روز مزبور بقدری فشنك در شهر صرف شد که ازبدو بنای شهر تاکنون این اندازه شلیك نشده بود .

اظهارات نویسنده فرانسه

در مجلس ضیافتی که بافتخار نویسنده معروف فرانسه آناتول فرانس داده شد مشار الیه نطق بلیغی ایراد کرده و روح جنگی‌را که امروزه در فرانسه کابینه‌ایستی حکمفرما است مورد حملات تنقید آمیزی شدیدی قرار داد در ضمن نطق مردم را بایجاد یك اروپای جدیدی دعوت نموده متذکر شد که امروزه دهشتناکترین قضایا همان روح جنگی است که پس ازخاتمه جنك بین المللی در مملکت فرانسه رواج یافته است و دولت باوجود ضعف قشونی باز سیاست تهدیدات و اجبار را تعقیب میکند درحالتیکه عناصر دور اندیش بر علیه این وضعیت شدیدا پروتست میکنند حالا دولت فرانسه خشم و عداوت خودرا بجانب روسیه معطوف داشته و میخواهد متفقین را باعرض نیروی نظامی برای‌خود ذخیره کند

بازار مکاره لیپسیك

بازار مکاره لیپسیك در ششم مارس افتتاح یافت و در روز اول عده جمعیت بازار به صدهزار نفر بالغ گردید‌تقریبا سی‌هزار تجارتخانه شعبات خود را در این بازار دائر کرده‌اند در بازارمزبور بمسئله تجدید روابط تجارتی با روسیه مورد توجه واقع گشته و از شعبه‌نمایندگی تجارتی روسیه ساوتی متصل - راجع بوسایل عملی تجدید مناسبات تجارتی با روسیه سوالات میشود اغلب تجارتخانها مایل هستند که بنمایندگان آنها اجازه ورود بروسیه دادهشود هیئت مدیره بازار مکاره بشرکت در نمایش صنایع آلمان که عنقریب در روسیه تشکیل خواهد شد علاقه‌مندمیباشد در ضیافتی که بنام‌مطبوعات داده شد هیئت مدیره متذکر گشت‌که‌آتیه ترقی صنایع آلمان منوط باستقرار و روابط مناسبات بین‌المللی است

مطبوعات داخله

ایران شماره ۱۰۹۴

امتعه وطن

احتیاج‌ما در اختراع است تمدن و کلیه مظاهر ترقی امروزه در نتیجه احتیاجات پیش آمده است ، در نتیجه جنك بین‌المللی که صادرات ایران بمنتها درجه‌تنزل کرده و ازطرف دیگر واردات چندان نقصانی نپذیرفته عدم تعادل مدهشی که تقریبا هشتاد کرورمیشود میان صادرات و واردات موجود گشته یعنی در ازاء امتعه خارجه هشتاد کرور پول نقد از ایران بیرون میرود بدیهی است این‌حالت مارا بمرك وفنا انداز مینماید و چاره‌آن اول اقدامات دولت در افتتاح باب تجارت روسیه و دوم برمردم لازم است که‌حتی‌الامکان البسه وطنی‌را استعمال‌نمایند

این بود‌سر مقاله ایران و بعقیده ما یك نظریه خیلی خوبی نهایت ما مایوس هستیم از اینکه مردم از استعمال امتعه خارجه صرف نظر کنند و امتعه داخلی هم بطورحتم وافی باحتیاجات اهالی نیست و عملی ترین فکرها در این موضوع همان افتتاح باب روسیه واگرممکن باشدتاسیس بعضی از کارخانهائی که پارهٔ از حوائج اولیه‌مارا جبران نماید و اگر حقیقتا ما بخواهیم مردم را باستعمال مصنوعات‌وطنی تشویق کنیم باید نخست طبقه ممتازه یعنی عناصر متعینه جامعه باین کار اقدام نمایند

عشق و منطق

راجع بمندرجات ایران

بعد از این توضیحی کهدرشماره-۳- شفق‌سرخ راجع بانتقاد جریده شریفه‌ایران دادیم تصور نمیکردیم ثانیا باین‌مبحث‌عود کنند

درحقیقت اکنون هم عود نکرده اند و مطالب سابق‌را تکرار فرموده‌اند و فقط مطلبی که قابل توجه و تحسین بود این بود که نویسنده محترم اعتراف فرموده بودند که قلب نهمرکز احساس و نه هم مرکز عشق است و توضیح داده بودند که فقط برای سهولت‌تعبیر و موافقت باصطلاح قلب را مرکز احساسات و عواطف ذکر نموده بودند

اما درموضوع تکرار انتقاد ماهم‌ناچاریم مطالب‌سابق‌را بطور واضحتری که مورث تکرار مدعا نشود باز بنویسیم

اولا چنانکه گفتیم غالب عقاید و افکار از روی منطق و استدلال تولید نمیشود بلکه بعداز پیدایش فکر و عقیده شخصی برای آن منطق و دلیل‌درست میکنیم‌والا این همه اختلافات در عقاید وآراء علمی رخ نمیداد زیرا صاحبان آراء مختلفه‌همه عقاید و آراء خودرا بمنطق‌و دلیل اسناد میدهند و نمیشود گفت ، یکی از اینها مغالطه میکند زیرا مغالطه با اندك تامل و امعان نظر در دلایل صحیحه طرف مقابل آشکار میشود

و نمیشودهم گفت منطق و برهان‌ممکن است مختلف جلوه نماید

پس علت همان‌است که بعضی از علمای علم ارواح گفته که عقاید و افکار تابع منطق نیست بلکه پیوسته‌انسان برای‌عقاید و افکار خود اقامه برهان‌مینماید

این نظریه‌که درکلیه‌عقاید و افکارصادق میباشد درعشق‌واحساسات‌مختلفه‌قبل‌تفکر و مراجعه بمنطق ایجاد میشود و سایر عقاید بعداز مراجعه بفکر و استدلال

درصورتیکه‌دقیق ترین‌مباحث‌پسیکولوژی ثابت نموده است‌که فکر و استدلال‌حرکت ثانی نفس یا بعبارهٔ اخری انفعال ثانوی دماغ میباشد

و بنابراین مبحث عشق هم مانندسایر تاثرات دماغیه قبل از تفکر و استدلال تولید میشود نهایت در این موضوع یك ظهور و تجلی‌کاملتری را حائز است

ثانیا ممکن است نویسنده فاضل ایران معتقد باین نظریه نباشند از اینرو ما هم این موضوع را بیش از این بسط نداده و مبدء فکری ایشان قبول مینمائیم یعنی میگوئیم عقاید وآراء بعداز تفکر طولانی تولید میشود و عشق قبل از تفکر و تعمق

در اینصورت هم آیاتصدیق میفرمائید که این عشقیکه قبل از تفکر تولید شده است بعداز تامل منطق و استدلال یاآنرا غلط و یاصحیح بداند و در صورت اول ، یعنی درصورت تطابق منطق با میل ، نام آنرا عشق با منطق و دومی را یك عشق مجنونانه‌وبی منطق‌نام بگذاریم

و اینکه گفته این‌یك اصطلاحی است‌که ما میخواهیم وضع نمائیم اگر باطوار و حالات روحیه اشخاص‌و بالتمایلات‌خودشان نیز مراجعه کنند می‌بینند این مسئله با یك شمول فوق العاده جریان دارد

مثلا فلان عاشق میگوید ، من هر چه فکر میکنم نمیدانم چرا اورا دوست‌میدارم دلنواز نیست وفادار نیست ، وجاهت و

... رسانید

... افسوس ! اگر این چیزهای خوب این نعمتها ... بخش این وسایل سعادت ونیکبختی برهمه‌افراد ... بطور تساوی قسمت میشد وممکن بود هر یك‌از ... بهره مند شوند دنیا بهشت موعود می‌بود ... رب النوع سعادت بشمار ...

... چیزهای خوب همیشه ... دارد . طعامهای‌لذیذه ... تهیه شده است ، باغ ... پر از تجمل و ... باشی یك عدهٔ مختصری ... پرتو افراد معدودی ... کشتی بخار و ... را بصحرائی ... وداشتن و

دسته معدودی ... یك‌اقامت ... ازگل ورياحين ... نقطه زندگانی و جواهردرخشان ... ورونق‌میدهد ... مسافرین ...

وقتیکه مال همه‌نیست بهمه اجازه نداده اندکه‌سعادتمند باشند نعم وخوشی‌را قسمت همه نکرده اند

قسمت اعظم بشر را یاس و نا امیدی تشکیل میدهد . اگر یکعده معدود را کنار بگذارید می بینید سایر افراد بشر درمیان اقیانوس بیکران رنج و الم افتاده و برضد امواج سوزان حسرت و ناکامی دست و پا میزنند

تمدن قسمتی اعظم بشر را بد بخت نمودتایك دسته را خوشبخت و سعادتمند نماید

تمدن یك پرتو امرادآمیزی است که برای‌یك دسته معدودی نور وبرای هیئت جامعه انسانی آتش سوزان وصاعقه مرگبار است

تمدن برای بشریت چه‌کرده است ؟

فقط یکعده تا نائل سعادت را درظلمات ...

و تا امیدی سر نگون انداخت ، تمدن آتش حرص و طمع را در جامعه بشری بر افروخت ، تمدن شراره حسرت را در قبر بشریت مشتعل کرد ، تمدن شعله فتنه و فساد ، آتش‌جرم و جنایت را که در فطرت تمام موجود است ممکن است درطبیعت‌بشری دامن زد

وجود جرائم و مفاسد در جامعه بشری غیر از این دلیلی ندارد و تا وقتیکه‌شکم گرسنه چون‌سعادت و بر تری در دنیا موجود است جرم و جنایت از فهرست عملیات بشر محو نخواهد شد ،

تا وقتیکه خود نمائی خود پسندی آن دسته مختصری خاتمه پیدا نکند محنت و بدبختی از جامعه بشری بیرون نمیرود

این هائی که دزدی میکنند و قوانین مدنی اینها

نیستند ،

بزرگترین جنایت کاران آنهائی‌هستند که با حرکات جلف خود عاطفه حسد را درطبیعت بشر بیدارکرده اند ، بزرگترین جنایت کاران آنهائی هستند که مجاهدات خود را صرف ایجاد افراط و تفریط کرده اند ،

بزرگترین جنایت کاران آنهائی هستند که وسائل تعیش و تجمل و حتی زوائد زندگانی را برای خود تهیه نموده و در برابر چشم آن ها هزار ها افراد بشر از شکنجه گرسنگی میمیرند ، بزرگترین‌جنایت کاران آن هائی هستند که از کثرت تنعم بغذای لذیذی با نظر نفرت و بی میلی نگاه میکنند و هزار ها افراد بشر موجودند که در تمام دوره عمر از چشیدن یك لقمه آن محروم هستند و هر وقت از دهك مطبوع آنان میگذرند زانوهاشان‌سست میشود

چرند پرند

از آثار حضرت دهخدا

بقیه مجمع الامثال دخو

سگی را اگر کارهی بر سر آید ، یقین میکند که بچه‌های مسلمان‌دارند از مکتب خانه بر میگردند

***

خدا میان گندم خوط گذاشته است یعنی نصفش‌مال ناذرا و نصفش هم مال مباشرین عدل باشواخانه

***

جون پیر شد آشیخ از مدرسه بیرون رو ، امید وجوه هند در عهد شباب اولی

***

هر که تنها بقاضی رفت البته قاضی‌باو خواهد گفت دست کن ته جیب ببین چی‌داری !

***

در خانه‌ات را ببند تا گدا نیاید نان بخواد

*

تنبل برو بسایه تلگرافات لازمه به مواقع لازمه برای اقدامات لازمه بعمل میاید

*

***

هر که نان از عمل خویش خورد ، باید برای بدر های پلیس های محل یاسین مجانی بخواند که هر جا غرامت زود باو خبر کنند

***

خرج که از کیسه اوانس قرض باشد حاتم طائی شدن اگرنسبت بدیگران آسان نباشد نسبت ببرادر و قوم و خویشان که آسان‌است

***

خواهی نشوی‌رسوا ، توهم سرد را بینداز پاآین و در فکر مداخل باش

***

حیادر چشم است مگر حیای زلیخا و عروس قاسم تعزیه که در توی صندوقچه خانه شان است

*

هر که‌باماش پیش‌البته‌سپرو انبیش‌پیشتر آهن‌لازم‌داره

***

آنچه در آینه جوان بیند ، پیرباید دم آفتاب برود عینک بگذارد تازه روزه‌گی یک کمی ببیند

هیچ گرانی بی حکمت نیست مگر کرایه‌خانه‌های طهران یکی نان نداشت بخورد میرفت‌در حجره‌حاجی‌ها گدائی ، و حاجی میگفت ، پیرویه در سخته ،اوشاق سال پونتون پی سرته

***

اول بنا نبود که جودار نان کنند آنش بجان ازرق شامی فتد کین بنا نهاد

***

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد ، یعنی اگر آقای روضه خوان گفت‌معجررا از سر . . . . کشیدند گوشواره را از گوش . . . درآوردند

***

تو باشی و نگوئی : آخر لامذهب اینها عصمت پیغمبر ما هستند این ها اهل آن خانواده هستند که آیه تطهیر در بارهشان نازل شده . آخراین دین با دك و پوز راضی نمی شوی بشنوی که گوشه نقاب عبائت را باد بالا زده وچشم هم کارت باو خورده است چطور راضی‌میشوی که در میان ده هزار خلایق بروز خانواده طهارت این طور می آری ،

اگر این ها را گفتی او دیگر قبر نمی شود کهبرای گرم‌کردن‌مجلس و برای اینکه حاجی احمق بگوید ، آقاسیدنرخان خوب شور می اندازد ما هم وعده اش میگیریم ، پشت سر این میگوید فرنگی در مجلس یزید چشمش افتاد به . . . و گفت که . . .

*

چه مردی بود کز زنی‌کم بود کی‌میگوید یك از خاصه بوقم بدتر بزرك میکند

*

خری گر خری را بماند . اما در حقیقت نمانده است برای این که اگر این یکی پولهایش داده ده خرید . پارك ساخت ، مبل وارد کرد یکی پولهایش را گذاشته توی بك‌هم جائی این تنزیلش نقد هم آدم توی ذهن این تدریجبدید این عهد و زمانه نمی افتد

*

از ده ویران که ستاند خراج ؟ این یکی مهمل است .

خوب معلوم است فراش باشی با امین می چرد نصفش را خودش بر میدارد ، نصفش هم میدهد به حاکم‌حاکم هم‌بر میدارد بخزانه این طور مینویسد ، چون رعایت زده همدان و بروجرد و . . . در این سال اسف اشتمال فریضه ذمه اولیای . . . الخ

ملاحت زیادی ندارد علاوه براین‌عمر من با جوانی من هستی من‌ودارائی من‌ و قوه مجاهده و کوشش من درسر این عشق تلف شدوخودم هم میدانم حاصلی جز بدبختی از آن ندارم اما مع‌ذالك اورا دوست میدارم و نمیتوانم از وی صرف نظر کنم

عاشق دیگر میگوید § من چقدر خوشحالم از داشتن یك همچه معشوقه هم جمال دارد هم وفا هم حسن اخلاق هم عقل و کیاست و بواسطه دوست داشتن او پشت کار و قوه کوشش در من فزونی گرفته وعشق او مرا از خیلی کار ها بی ربط ونامناسب دور نموده است §

آیا آن اولی مطالعه تمام آن قیود وسنجیدن تمام آن بدبختیها بعشق‌ورزیدن اقدام نمود و دیگری بامطالعه آن‌محسنات عاشق شد ؟

بدیهی است نه ، عشق قبل از این گونه مطالعات پیدا شد و این مطالعات که میتوان آنرا اثرات اتفاق باتصادف گفت بعد پیدا شد در این صورت اگر اولی را عشق بی منطق و دومی را عشق منطق به گویند غلط است ؟ یا موافق اصطلاح نیست ؟

ثالثا باز ماba اعتراض نویسنده‌محترم همراهی کرده و از مدعیات خود تنزل می نمائیم آیا تمام صفات و قیودی که در اثناء محاوره استعمال میشود بایداحترازی باشد و آیا قیود تاکیدی و توصیفی در کلماء ادباء فضلا نیست

آیا § آفتاب روشن § ، مهر منیره حیوان جنبنده جنهای سبز فام وهزار ها تعبیراتی از این قبیل که حتی ممکن است در هر یك از مقالات خود نویسنده هم نشان داد که صفت تاکید معنی مستفاد از موصوف را مینماید نشان بدهم ـ همه انها غلط است

آیه کریمه ولا طائر یطیر بجناحیه که سرمشق بلاغت و فصاحت غلط است ؟

مسلم که فاضل محترم بامن تصدیق‌می کنند که اولا در عشق هم ممکن است قید بی منطق یا با منطق احترازی باشد یعنی هردو گونه عشق موجود است انهم ازنقطه نظر مطابق منطق بعداز تولید عشق وعلم تطابق ان

و ثالثا مگر هم این را قبول نمی فرمایند اقلا اقرار کنند که او را اوصاف را نماید در السنه و افواه در شعر ونثر و در کلیه ممالك دنیا فراوان است و سودای بی‌منطق هم صحیح است

اتحادشماره (۱۲۹)

فساد مطبوعات

در تحت این عنوان یك مقاله عجیبی بامضاء نقیب‌زاده بنظر رسید که میخواست بگوید برای فحاشی و هتاکی بعضی از جرائد هیئت منصفه لازم نیست و محاکم عادی هم میتوانند بان رسیدگی کنند و هیئت‌منصفه فقط برای رسیدگی‌جرایم منافقات باجرایم سیاسی است

نگارنده برای بیان یك مطلبی بان ساده گی که خیلا و سقم آن موضوع نامل است یك بیانات عجیب وغریبی که باصول نگارش همان جرائدیکه ایشان آنهـا را رب‌النوع فحاشی میگوید بیشتر شباهت داشت

گاهی محیط را احمق گفته جائی بطور مطلق‌مدیران‌محترم‌جرائدرا بعرب‌النوع فحش و بد اخلاقی ذکر فرموده گاهی عوامل‌قضائی را نادان ویا نسبت بوظایف خود محافظه کار نوشته خلاصه مانند یك آدم عصبانی که از فرط غیـصـل رویه متانت را فراموش کرده است بدر دیوار باسمان و زمین بجامعه و افراد بمجلس و عدلیه بجرائد و کلیه مردم تعرض نموده است

آیا ایشـان که اینقدر باصول نزاکت و مراعات قوانین اخلاقی خود را علاقه مند نشان میدهند ویتوانند بفرمایند بچه دلیل مدیران جرائد که موثر ترین‌اخلاق اجتماعی محسوب میشوند اینطور بر سستی یاد کرده اند

ماتصدیق‌میکنیم مدیران جرایند اگر بحفظ شئون خود علاقه مند بودند بشما اجازه نمیدادند اینطور خارج از رویه باتها تعرض نمائید ولی خود ایشان که مانند یك پرفسور اخلاقی اظهار علاقه مندی عبارت مینمایند چگونه بقول مطلق بارباب جرائد حمله میکنند

آیا اگر یك‌نفر نویسنده فاضل از ایشان بخواهند جمله محیط احمق است را معنی‌وتفسیر نمایند چه‌جواب خواهندداد

ما از مدیر محترم اتحاد تعجب میکنیم که چرا اینقسم نگارشهای بدون منطق رادر صفحات ذیقیمت جریده خود آنهم متعقب مقاله هائی که بمطالعات تاریخی‌واجتماعی حامل است به پذیرفته‌اند

انتقاد ادبی

اثر الفاظ

ـ ۳ ـ

در اینجا مقصود مانفکیك نظم ونثر نیست واز کلمه شعر روح شعری‌راکه‌انعکاس (احساس جمال) است مقصود داریم .

برای نمونه حسن الفاظ چهار شعر از عنصری ذکر میشود و فکر آن را از حلیه الفاظ زیبا عاری کرده و تجزیه مینمائیم :

« بخار دریا اینك بماه فروردین | همی فرو گسلا رشته هـای در ثمین
ز آب پاك زبان پر ستاره دارد ابر | ز بـاد پاك شکم پر ستاره دارد طین
بمشك رنك لباس اندرون شده است هوا | بلعل رنك پرند اندرون شده است زمین
هوای روشن اگر عرض‌کرد اشکار زنك | زمین تیره کند نیز عرض لشکر چین »

ابر ماه فروردین رشته های در قیمتی باز میکند

ابر از آب پاك زبان را پر قطره ساخته‌وخاك‌از بادپاك‌شکم رادپرقطره‌نموده‌است

هوا لباس سیاه وزمین لباس سرخ پوشیده اند

اگر هوای روشن لباس سیاه پوشید ، زمین تیره لباس رنگ به رنگ در بر کرده است .

* * *

اگر چه بطوری که لازم است کلمات عنصری تغییر نیافته لیکن از مقایسه آن‌نظم واین نثر اثر بزرك لفظ واضح میگردد .

ـ چرا (بخار دریا) بهتر از (ابر) است ؟

چرا (فرو گسلا) بهتر مطلب را میرساند تا (می برد یا باز میکند) ؟

چرا (ستاره) بهتر از (قطره) است

چرا کلمه « زبان » در مصراع اول‌شعردوم این قـدرمؤثر و لـذیـذاست بهتر از وسط دو مصراع آخراست

. . . همچنین بقیه ظرافت ها . . .

تمام اینها دقایقی است که فقط شاعر آنها را احساس میکند و علمای فصاحت و بلاغت و بدیع که در تعیین این محسنات رنج برده هزار یك آن را نتوانسته اند بیان کنند زیرا که راجع است باحساس نه بعقل ومربوط است بذوق نه به تحصیل اشعار فوق برای نمونه ذکر شد والبته در میان اشعار اساتید عجم و فصحای جاهلیت عرب اشعاری پیدا میشود که بهتر از این اشعار مقصود مرا بر جسته میکنند .

**

از این مقدمه اهمیت لفظ واضح و معلوم شد اکنون سؤال میکنم ،

آ یااشخاصی که نظم ساخته و رعایت لفظ را نمی کنند و توجه خود را به پروراندن و منظم ساختن یك مطلب علمی مبذول میدارند . آن ها را شاعر میتوان گفت ؟

اشعاری که از اساتید مانده است دارای چه جنبه هستند که اینقدر مطبوع و ورق بوده ودر هردوره از میانه پست و بلند های روزکار و تشنجات اجتماعی راه خود را خلاصی داده وبما رسیده اند ؟

آیا اشعاری که در دنیا موسومند باشعار (پایدار) و « فراموش نشدنی » « دائمی » چه نوع اشعاری هستند و برای اینکه شعر شخصی و خود شخص دائمی باشد چه قسم شعر باید بگوید ؟

از میانه تمام اشعار دقیقی چرا معدودی باقی مانده است که مشهور ترین آنها قطعه :

« در افکند ای صنم ابر بهشتی
زمین را خلعت اردی بهشتی » میباشد

در این قطعه چه حسنی هست که از مطالعه و استماع آن روح مجذوب و مسرور میگردد ؟

بسیاری از شعراء صف بهار را کرده اند چرا کمتر شعری بخوبی این در دست است ؟

آیا ثوانی : بهشتی گشتی سرشتی ، . . . فی نفسها زیبا هستند ؟

آیا مصراع « یلاك ابو نگیرد جز بکشتی » غیر از ظرافت صوری و مطلب علمی و فلسفی دربر دارد ؟

آیا در شعر بطم نوشی گشته چشمه آب

برنك دیدهٔ آهوی دشتی § چه فلسفه مندرج است

آیا جز لطافت الفاظ چیزی در آن ملحوظ شده است ؟

**

جامه هائی که برای زینت معشوقه خیال بریده میشود مواد اولیه آنها الفاظ است باید دست ماهری آن ها را چنان بیکدیگر بدوزد که قامت رعنای فکر از زیر آن بخوبی برجستگی وتمایلات خود را نمایش دهد

اگر خیاط بی مهارتی از بهترین پارچه‌ها جامه برای خوش اندام ترین‌مشتری بدوزد فراخی پیش سینه و تنگی گریبان درازی‌دامن و کوتاهی آستین نه تنها پارچه را خراب و ضایع ساخته است بلکه ظرافت اندام خریدار را نیز در زیر برش ناپسند وبی تناسب خود از نظرها مستور میدارد

شاعری باخیاطی شباهت کامل دارد واظهار لطایف و دقایق یك فکر بسته به خوبی جوش وحفظ تناسب الفاظی است که بر فکر پوشیده میشود

پس در شعر بعداز یافتن فکر و تشخیص § اثرات جمال § دوچیز لازم است یکی یافتن پارچه زیبا یکی بریدن و دوختن آن به تناسب اندام خیال . . .

راجع بافکار § طبیعی و پایدار § که در هرزمان جوانی و قوتشان باقی وجز لاینفك روزگار و ذوق انسانی شمرده میشوند و هیچگاه کهنه و مندرس نگشته بقول فردوسی § که از باد و باران نیابد گزند § در آینده مقالاتی درج خواهد شد برای تکمیل سطور فوق وتاثیر آثار لفظ مفید ولازم هستند .

رشید یاسمی